

# ثبت نام دوره سایه های شخصیتی پیشرفته



دوره سایه های شخصیتی اختصاص دارد به سفری درونی برای بررسی مسیری که ما ، ” ما ” شده ایم. بررسی پیامهای والدی و رد زدن پیش نویسه های زندگی همه برای اینست که بالغانه تصمیم بگیریم چه تصمیماتی برای امروزمان اتخاذ کنیم .

در دوره پیشرفته ، ما حاصل زحمت دوره مقدماتی را خواهید چید

## محتوای کارگاه پیشرفته

1. تقویت بالغ – راههای موثر و غیر موثر در مواجهه با سردرگمی
2. از مثلث کارپمن ( برمودای زندگی عاطفی ) خارج شوید
3. پیش نویسه های عاطفی
4. سایه های عشق و ازدواج و سایه مجرد ماندن
5. سایه های رابطه خانوادگی / تنفر از والدین / وابستگی غیر عادی ( والدین/ برادر و خواهرها )
6. سایه های شغل و موفقیت مالی
7. آناتومی ابلیس و رابطه آن با نفس
8. معنویت در سایه / معنا زدگی
9. کارکردن با سایه از طریق رویا / درمان

## اطلاعات کلاس

- 6 کارگاه – 6 روز – 18 ساعت
- هزینه 699 هزار تومان –
- تحفیف ثبت نام تا دوشنبه 9 شهریور به مبلغ 75 هزار تومان ( 625 هزار تومان پرداخت میکنید)
- امکان پرداخت بخش بخش برای افراد حاضر در دوره مقدماتی فراهم است
- آیا جلسه معارفه دارید ؟ بله ! برای آمادگی بهتر در دوره پیشرفته میخواهیم طی یک جلسه مرور سریع کل دوره مقدماتی داشته باشیم و معرفی جزئیات دوره پیشرفته بعلاوه پخش فیلم پر جایزه محصول 2014 ( از درون زنده ) برای حضور در این جلسه به تاریخ 10 شهریور لطفا به موسسه ما پیامکی بنزید حاوی نام و نام خانوادگی 2188847593
- اگر در دوره مقدماتی نبوده اید و مایل به حضور در این دوره هستید لازم است آشنایی مختصر با مفاهیم نظریه تحلیل رفتار متقابل داشته باشد ( کودک بالغ والد ) و در جلسه پیش آمادگی سه شنبه 10 شهریور نیز حضور داشته باشید



## درگذشت دبی فورد



Debbie Ford  
(1955 - 2013)

**HugeDomains.com**  
Shop for Over 200,000 Premium Domains

خانم دبی فورد ، سخنران ، نویسنده کتاب  
تاثیرگذار نیمه تاریک وجود ، در سن 58  
سالگی، شنبه هفته گذشته در اثر ابتلا به  
سرطان سارکوما درگذشت. میلیونها نفر در دنیا تحت تاثیر پیامهای روحی این بانوی خودساز ، زندگی  
های خود را متحول کردند .

- او نویسنده 8 کتاب پرفروش در زمینه رویارویی با دردهای درونی بود و بی مهابا در کتبش از تجربه اعتیاد و طلاقش مینوشت تا انسانها جرات کنند با دردهایشان در این زندگی بایستند .
- او با دیپاک چوپرا همکاری نزدیک داشت و همچون او به دیدگاه یکپارچه نگر HOLISTIC در درمان معتقد بود .
- دبی فورد ، مدرک خود را در رشته روان شناسی با گرایش مطالعات آگاهی از دانشگاه جی. اف. کی. گرفت. او در سال 2001 جایزه فارغ التحصیل برگزیده سال را به مناسبت خدمات ارزنده

خود در زمینه روان‌شناسی و معنویت دریافت کرد. در سال 2003 به دریافت دکترای افتخاری از دانشگاه امرسن نایل شد و در سال 2004 دکترای افتخاری آثار ادبی انسانی را از هیأت علمی دانشگاه جان اف. کندی دریافت داشت.

تأسیس مؤسسه یکپارچگی فورد

▪ دبی، مؤسسه فورد برای آموزش مربیگری یکپارچگی را به منظور تربیت کارآموز با الگوهای مربیگری، ابزارها، شیوه‌ها و روندهای یکپارچه سازی تأسیس کرده است. دبی و پسرش «بو» در پاییز سال 2008 مدرسه‌ای در یک ناحیه روستایی اوگاندا (Uganda) بر مبنای یکپارچگی ساخته‌اند و هم اکنون دبی ریاست هیأت مدیره سازمان غیر انتفاعی به نام «قلب جهانی مربیگری یکپارچگی» را بر عهده دارد.

▪ استانیسلاو گراف، بیل اسپینوز، رابرت بلای، دیوید سایمون، واسانت لاد، جان ولوود، گانتر برنارد، کن ویلبر، گوته، جیمز بالدوین تحلیلگر فلسفه یونگ، آساگیولی بنیان گذار شیوه تلفیق روان، رولو می، ماریان ویلیامسن، چارلز دوبوا، کن ویلبر، ریندماریا، جرمیا آبرامز، آندره هاروی از دیگر افرادی هستند که وی تحت تاثیر افکار آنها می‌باشد. ([اینجا](#))

▪ پسر و خواهر و برادر و مادرش بازمانده‌های او هستند. بنیاد فورد فعالیت‌های این زن شجاع را در دنیا سازماندهی می‌کند

▪ در ایران نشر کلک ازادگان (خانواده مجیدا) با قلم خانم فرناز فورد، ترجمه‌های نفیسی از کتب ایشان منتشر کرده‌اند

از [جملات](#) مشهورش در صفحه یادبودش چنین می‌خوانیم:

The evolution of one's own soul is a process. It's not a quick fix. It's not a five day workshop. It's a lifetime process where we let go, discover and then allow for .futures to come into existence

تغییر روح یک انسان امریست طولانی مدت و نه سریع و ناگهانی

تغییر روح، گذراندن یه کارگاه خودشناسی 5 روزه نیست، ما با یک یادگیری تمام عمره طرفیم. در وب سایت [مناسب](#) چنین نوشته است:

# HugeDomains.com

Shop for Over 200,000 Premium Domains

- هنگامی که به برآورده ساختن رویاها و اهداف خود می پردازید، کمتر به آنچه دیگران می کند اهمیت می دهید. هر کدام از ما نیاز داریم که قهرمان خود باشیم. تنها راه آن است که جنبه هایی از خود را که به دیگران نسبت داده ایم، یعنی جنبه های طرد شده مان را باز پس بگیریم.
- هنگامی که کسی را تحسین می کنیم این فرصت در ما پیش می آید که یکی دیگر از جنبه های مثبت خود را پیدا کنیم.
- اگر عظمت فرد دیگری را تحسین می کنید، آنچه می بینید عظمت خودتان است.
- اگر نفوذ **اُپرا وینفری** مرا جذب می کند، فقط از آن جهت است که آن اندازه نفوذی را که خود می توانم در زندگی داشته باشم در او می بینم. به افراد مشهور پول می دهیم تا قهرمان ما باشند و رویاهای برآورده نشده ما را تجلی بخشند.
- وظیفه ماست که آنچه را در دیگران الهام بخش خود می بینیم، شناسایی کنیم و آنگاه ویژگیهایی را که از خود دور کرده ایم پس بگیریم.
- درباره نکاتی که در کسی تحسین می کنید، دقیق باشید و آنها را در خودتان بیابید.
- اگر آرزو دارید شبیه کسی شوید به این دلیل است که توان آن را دارید که آنچه می بینید را متجلی کنید.
- اگر توان انجام کاری یا داشتن چیزی را نداشته باشیم، آن مورد را حقیقتاً نخواهیم خواست. بخش دشوار عبور از ترسهایمان است که ما را متوقف می کنند و به ما می گویند شایستگی و ارزش لازم را نداریم.
- هیچ کس در زمین، در رسیدن به خواسته هایتان مانند شما نیست.
- ما به هیچ وجه مجبور به باور هر چه دیگران درباره ما فکر می کنند، نیستیم.
- دیدن کل وجود نیاز به شجاعت و تعهد دارد. اگر پیوسته شخصیت خاصی را به زندگی خود جذب می کنیم، دلیلی دارد. مادامی که جنبه ای را در خود نمی پذیریم افرادی را به زندگی مان جذب می کنیم که آن جنبه را از خود نشان می دهند.
- اگر بر رفتار ناپسند کسی متمرکز می شوید بدان دلیل است که خود آن ویژگی را دارید.
- بیشتر ما وقت فراوانی را صرف کرده ایم تا از افرادی که به ما ظلم کرده اند کینه به دل بگیریم.
- به کسی که شما را آزار داده است نگاه کنید، چه جنبه ای در آن شخص با شما اتصالی می کند، آن ویژگی را در خود پیدا کنید. دیگر تحت تاثیر آن فرد قرار نخواهید گرفت.

واقعیت «من در جهان هستم» را به «من جهان هستم» تبدیل کنید.

اگر ما حالتی را از درون پذیرا شویم دیگر لازم نیست آن را در بیرون متجلی کنیم.

وقتی تلاش می کنیم که چیزی نباشیم در واقع منابع درونی خود را به هدر داده ایم. اگر درباره زندگی خود احساس خوبی داشته باشیم به ندرت به گفته های دیگران اهمیت می دهیم. عقیده ما نسبت به خودمان از همه مهمتر است.

صفتی که شما نمی خواهید باشید مسیر زندگی شما را اداره می کند.

اگر به درن نروید دست خالی بیرون می آید. نیل دونالد والش

ما هیچگاه هیچ کس را از دست نمی دهیم، بلکه فقط رابطه هایمان تغییر شکل می دهند. ممکن است جسم کسی در کنار ما نباشد، اما همواره در درونمان حضور خواهد داشت.

هنگامی که دوباره با تمام وجودمان ارتباط برقرار کنیم تقریباً غیرممکن است که احساس تنهایی کنیم و خود را جدا و مطرود بپنداریم. باید جهان درونمان را بیابیم و یاد بگیریم چگونه به آن عشق بورزیم و احترام بگذاریم. فقط به این صورت است که به عظمت خود پی می بریم.

هر یک از ویژگیهای مطلوب و نامطلوب شما می تواند برای زندگی شما سودمند باشد.

آنچه رشد نکند از بین می رود.

اگر مایل به تجلی رویاهایتان هستید باید برای هر آنچه در جهان شما روی می دهد خود را مسئول بدانید.

هر رویدادی در زندگی من، هر شبی که به بی خوابی گذشت و تمام اشکهایی که ریختم مرا در مسیر سفر روحم به پیش برده است.

هیچ کس آنچه من می گویم نمی گوید و هیچ کس کارهای مرا درست مانند من انجام نمی دهد. من، من هستم.

جهان بوم نقاشی من است و من این رویداد را در زندگی ام از پیش کشیدم تا درس ارزشمندی بیاموزم.

# THE WORDS - 2012

فیلم " **کلمات - THE WORDS** " محصول 2012 با کارگردانی و نویسندگی [Brian Klugman, Lee Sternthal](#) میباشد. ([شناسنامه فیلم](#))

بازی برادلی کوپر احتمالاً برای ما جالب ترین نقش خواهد بود.

داستان فیلم :

یک نویسنده میانسال داستان کتاب جدید خود را در مجمعی بزرگ از علاقه مندان به خوانش میگذارد و خودش بخشهایی از کتاب را میخواند ، داستان کتاب درباره مردی جوان به اسم Rory Jansen است که قصد دارد نویسنده بزرگی شود و سه سال روی کتاب خودش کار کرده و در این سه سال سفر قهرمانی خود به معنی جدا شدن از خانه پدری و ایجاد سرنوشت خویش را در پیش گرفته است. او به اتکای عشق قشنگی که در زندگیش با Dora Jansen دارد، ازدواجی مورد رضایت خویش و خانواده اش فراهم آورده است که موجب میشود الهاماتی در راستای نویسندگیش دریافت کند اما در واقع اتفاقات به نفع کتاب او رخ نمیدهد و همه انتشاراتی ها کتاب او را رد میکنند.

او در تعریف خود به عنوان مردی مستقل از نهاد پدر، به شدت دچار مشکل میشود و نمیتواند به این وضع ادامه دهد (آرکتایپ کودک یتیم ORPHAN CHILD) تجربه خشم و درماندگی باعث میشود در روابطش دچار مشکل شود تا اینکه اتفاقات رخ میدهد (به قول ژوزف کمپبل، وقتی بناست قهرمان سفرش را آزاد کند، نادی غیب فرا میرسد) این فرد یک پیرمرد بازنده در زندگی است که داستان زندگیش را برای روری تعریف میکند و سیری از وقایع را در زندگی درونی او رقم میزند.

(پیرمردی که آیین تشریف



پسر به دنیای مردانه را به واقع او انجام میدهد نه پدر واقعیش )

این فیلم ما را به دنیای تصمیمات درونی و متعاقباً بیرونی میبرد و دائم از خود خواهیم پرسید که اگر من بودم چه میکردم؟ شما در این فیلم به بحث نقابهای موفقیت اجتماعی SOCIAL PERSONA و رابطه اش با بحث فردیت INDIVIDUATION فکر خواهید کرد. این سوال که چقدر میتوانم حامل تصویری غیر واقعی از خودم در زندگیم باشم، سوال جدی بخشهایی از فیلم است.



” کلمات ” فیلمی است که بیننده اش را در چند اپیزود دو نفره میبرد، روابط شخصی نویسنده اصلی، روابط شخصیت داستان، رابطه عاطفی پیرمردی که در فیلم جوانی او را نیز در پاریس میبینیم.

فیلم مناسب کدام دانشجویان است ؟

این فیلم را به علاقه مندان بحثهای سفر قهرمانی، سفر قهرمانی مرد، سایه ها و نقابهای شخصیتی پیشنهاد میدهم.



همکارانم در خانه توانگری مشغول مناسب سازی فیلم برای پخش در ایران هستند ( دانشجویان )

اگر مایلید در جلسه پخش و نقد روانشناختی این فیلم حضور داشته باشید کلمه **the words** را به خانه توانگری پیامک بزنید به شماره 10002554241794

---

مطالب مشابه :

[کمی درباره فیلم زیبای هنر آزاد](#)

تحلیل فیلم [words matter](#)

[دست نیافتنی ۲۰۱۲](#)

[THE OTHER WOMAN](#)

---

# گریمر درون



صبح ساعت 6:45 تو اتاق گریمر تلویزیون نشسته ام و آقای گریمر خوش نوق مشغول فون زدن روی صورتم برای یکدستی رنگ و جلوگیری از برق زدن تصویر است . کار اصلیش که تموم شد به نگاهی انداخت و با جعبه ای شبیه جعبه ابرنگ های بچگیمون ، شروع کرد با قلم موی بسیار باریک روی دماغم طرح زدن. کنجکاو شده بودم ببینم قضیه چی میشه آخرش.

سایه ای روی لبه های بینی ام انداخت که باعث شد دماغم که به علت شکستگی به سمت راست کج است ، صاف و باریک به نظر برسد ! هرچی خودم دقت میکردم نمیتونستم کجی و قوز دماغم را ببینم ( یا شاید مثل قبلش ببینم )

ایشون که تعجب من را دیده بود بهم یاد داد که چطور یک گریمر از خطای دید بیننده استفاده میکند و با چند خط تیره و روشن باعث میشود او چیزی جدید ببیند...

رو همون میز و روبروی همان اینه یاد این افتادم که این حکایت انسان است که گاهی استادانه زشتی اعمال خودش را نمیبیند و گریمر خود نفس اوست و چه بسا نیازی به ابلسی نیست ( زین لهم سوء اعمالهم = شیطان زشتی عمل ایشان را بزک کرد )

خانمی نوشته بود برایم که

در حین پروسه طولانی 5 ساله طلاقم با مردی 17 سال از خودم بزرگتر آشنا شدم ( زن طلاق داده ) که دو بار کلا دیدمش ولی عاشقش هستم به خاطر فهم بالایش... در درد و دلهايش فهمیده ام با خواهر و دخترخودش روابط ج دارد (!) و میخواهم کمکش کنم ، لفا بهم بگوئید از کجا آغاز کنم؟

براش مینویسم دختر خوب ! تنها کسی که باید بهش کمک کنی خودت هستی ، دلبستگی به مردی با این همه اختلاف سن ، تنها با دو بار دیدن اون هم با چنین انحراف عمیق جنسی – که معمولا هم مقاومت شدید به درمان دارد- ناشی از یک روان بیمار نیست که وابستگی عاطفی دارد ؟

چطور نمیبینی که او یک شکارچی زنان ساده لوح است که فضای گفتگوهایش را طوری میکند که قربانیان خودش را وارد توهمات بیمارگونه جنسی خویش کند؟

**چنین است که تو زشتی عملت را نمیبینی و فکر میکنی میخواهی به معشوقت کمک کنی.... ما همه یک**

**گریمر درون داریم**



خاطره سایه ای

گذشته ای که آینده تو را میسازد

به چیزهایی هست که مال خود خودته

به همین راحتی گیر این رابطه افتادم

پاسخ به دختری که فکر کرده کبکه

زخم عاطفی ۷ ساله